

مدیریت بحران در قرآن کریم:

بررسی سیره نبوی در نبرد احزاب

حسین محمدی سیرت *

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۲/۲۰

تاریخ تأیید: ۱۳۹۱/۳/۱۲

چکیده: نظریه پردازی‌های بسیاری در توصیف و تبیین بحران‌های اجتماعی صورت گرفته است تا الگویی برای مدیریت بحران ارائه شود که با حداقل هزینه بحران‌ها را کنترل و مدیریت کند. هدف نظریه پردازان در این حوزه آن است که چستی، چگونگی، چرایی گسترش و سپس، مدیریت بحران‌ها را بحث و بررسی نمایند. لکن اصول و راهبردهای ارائه شده خاستگاهی غربی و غریبومی دارند و این مطالعات با پیش فرض‌های غیردینی تبیین شده است. تحقیق حاضر قصد دارد ضمن تعریف لغوی و اصطلاحی واژه بحران و مطالعه اصول و الگوهای رایج مدیریت بحران، ابتدا معنای «بحران» در گفتمان قرآنی را بررسی و تحلیل کند و سپس در قالب یک مطالعه موردی، سیره نبوی در مدیریت بحران در نبرد احزاب را بررسی کرده و به این سؤال پاسخ دهد که اصول مدیریت بحران رسول اکرم (ص) در جنگ احزاب، چه اصولی بوده است؟ به همین منظور واژه‌های قرآنی که دارای معنا و مصادیق مشترک با مفهوم بحران هستند کشف و بررسی شد و در ادامه داستانی قرآنی از زندگی نبی مکرم اسلام (ص) که بیان کننده وقوع بحران و در نتیجه مدیریت بحران توسط ایشان است را برگزیده و در قالب فرآیند سه مرحله‌ای شکل‌گیری بحران، تحلیل و بحث نموده است. نهایتاً پس از استخراج اصول مدیریت بحران توسط پیامبر اکرم (ص) در نبرد احزاب به سیزده اصل مدیریت بحران دست یافته است. مهم‌ترین این اصول عبارتند از: پیش‌بینی و ایجاد آمادگی، آگاهی‌بخشی، پیش‌گیری، پاسخ‌دهی سریع، بازسازی، حذف عوامل بحران‌زا، مطالعه و بررسی بحران.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، بحران، مدیریت بحران، حضرت محمد (ص)، نبرد احزاب.

* دانشجوی دکتری، رشته علوم سیاسی، دانشگاه امام صادق علیه السلام.

Email: Hmsirat81@gmail.com

- مقاله حاضر برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد، مؤلف در رشته معارف اسلامی و علوم سیاسی است که در سال ۱۳۸۹ با راهنمایی آقای دکتر اصغر افتخاری و مشاور آقای دکتر عباس مصلاهی‌پور در دانشگاه امام صادق علیه السلام دفاع شده است.

مقدمه

مبانی علوم انسانی مدرن، مبانی غربی و در برخی موارد غیردینی می‌باشند و با ساختارهای رایج اجتماعی و فرهنگی اسلام و ایران همسویی ندارند. از آن جا که علوم انسانی بومی و هماهنگ با باورهای مذهبی و قومی نیاز مبرم هر جامعه‌ای است، تلاش در جهت تولید ادبیات علوم انسانی - اسلامی امری ضروری به نظر می‌رسد. نقص و کمبود و کپی برداری از الگوهای غربی علوم انسانی موضوعی ملموس، شفاف و قابل درک است.

تولید علوم انسانی اسلامی و ایرانی بدون توجه به قرآن کریم که یکی از منابع اصلی اندیشه‌های دینی است امکان‌پذیر نیست و باید توجهی اساسی و مبنایی به این منبع الهی برای درک معارف دینی داشت. «بحران» و «مدیریت بحران» یکی از امور مهم در زندگی روزمره جوامع انسانی است و پژوهشگران و مدیران نمی‌توانند جامعه‌ای را بدون توجه به بحران‌های پیش‌روی آن درک و مدیریت نمایند. اما رویکردها و الگوهای رایج ارائه شده در مدیریت بحران اصولاً بر اساس مبانی غربی و غیردینی طراحی شده‌اند، که البته در بسیاری موارد قابل اقتباس و بهره‌برداری‌اند، لکن با توجه به مبانی متفاوت غربی، ناهمخوانی‌های بسیاری با الگوی مطلوب مدیریت جوامعی اسلامی دارند، لذا ارائه الگویی دینی و قرآنی از مدیریت بحران لازم و ضروری به نظر می‌رسد. مطالعه قصص قرآنی از سیره انبیاء(ع) و به خصوص سیره حضرت محمد(ص) که نمونه‌ای از مدیریت موفق جوامع بشری است، در مسیر دستیابی به الگوی مطلوب دینی و قرآنی مدیریت بحران، گامی مؤثر و اساسی است.

بنابراین، ابتدا با بهره‌گیری از منابع مختلف به بیان الگوها و راهبردهای رایج مدیریت بحران پرداخته، واژه و مفهوم بحران را از نگاه قرآن بررسی و تحلیل کرده و سپس با مطالعه موردی داستانی از نحوه مدیریت نبی مکرم اسلام(ص) در قرآن کریم سعی کرده اصول الگوی قرآنی مدیریت بحران را استخراج نماییم. در صدد بیان اصول مدیریت بحران هستیم و سیاست‌های عملی مبتنی بر آن‌ها در شرایط و امکانات خاص خود شکل می‌گیرد و از هدف پژوهش پیش‌رو خارج است.

۱- چارچوب مفهومی

بحران مانند بسیاری از واژه‌های موجود در علوم انسانی واژه‌ای سیال و گسترده است و تعاریف بسیاری از آن ارائه شده است و بسته به دیدگاه تحلیل‌گر، نویسنده و یا هر مخاطب دیگری معنای خاص خود را دارد. روی هم رفته امکان تعریف موجز و روشن برای بحران وجود ندارد و بسته به دیدگاه محقق تعریفی از آن ارائه می‌شود. بحران را ممکن است از دیدگاه یک سیاستمدار ترسیم نمود که مطمئناً عناصر و عوامل متشکل آن متفاوت از آن‌هایی است که در دیدگاه یک ناظر مستقل متجلی می‌گردد.

۱-۱- مفهوم بحران

الف) تعریف لغوی: «بحران» لفظ یونانی و معرب است و معادل واژه Crisis در انگلیسی است که ریشه یونانی آن krisis به معنی نقطه عطف در بیماری است. در فرهنگ چینی واژه بحران معادل فرصت خطرناک است، یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت. فرهنگ آریان‌پور واژه Crisis را بحران، شور، سرگشتگی، نقطه عطف، سختی و پریشان حالی معنای کرده است (آریان‌پور، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۲۰۳). فرهنگ دهخدا بحران را این‌گونه تعریف می‌کند:

«تغییری که بیمار را پیدا آید در تب و با یوم اضافه شود چنان که گویند «یوم بحران»، «لفظ بحران در اصل یونانی است»، «بحران تغییر حال بیمار است از حالی به حالی یا بهتر یا بدتر». دهخدا در ادامه انواع بحران را تعریف می‌کند که به‌عنوان نمونه تعریف وی از بحران سیاسی را ذکر می‌کنیم «بحران سیاسی؛ حالتی که در نتیجه آن توازن نظام اجتماعی دگرگون شود و دولت‌ها و نظام‌های اجتماعی ناچار به سقوط یا ترمیم یا تعویض گردند» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۳۷۹۶).

در فرهنگ عمید بحران «آشفته‌گی و تغییر حالت، تغییر حالت ناگهانی مریض تب‌دار که منجر به بهبودی یا مرگ او بشود» تعریف شده است (عمید، ۱۳۶۹: ۱۳۸). به اصطلاح اطباء، منازعت طبیعت با مریض، شدت ناگهانی بیماری، تغییری که بیمار را پیدا آید در تب (دایرة المعارف جامع اسلامی، ۱۳۸۵: ۳۸۲).



در هر صورت واژه بحران به یک تغییر و تحول ناگهانی اشاره دارد که از قبل پیش‌بینی نمی‌شده است و می‌توان جمع‌بندی زیر را از معنای واژه بحران به دست آورد: «سرگشتگی بهتر یا بدتر شدن ناگهانی، آشفتگی، سردرگمی یا اضطراب، آشوب، نقطه عطف، نزدیک شدن به خطر^۱، سختی و پریشان حالی، شدیدترین مرحله سختی، رنج کشیدن» و... (بشیر، ۱۳۸۷: ۵۱-۵۵).

ب) تعریف اصطلاحی: تعریف بحران خود یک مفهوم بحران‌زا و بحران‌زی است. اگرچه تاریخ جوامع بشری روایتی مستمر و بلاانقطاع از «بازی بحران‌ها» است، لیکن تاکنون گفتمان و ادبیات واحد شفاهی پیرامون آن شکل نگرفته است و ارائه تعریفی مشخص و قابل اجماع از مفهوم بحران را غیرممکن می‌نماید (حسینی، ۱۳۸۴، ج ۱۱: ۱). به نظر می‌رسد تعریف چینی‌ها از بحران به عنوان یک فرصت و تهدید تعریف منطقی‌تری است. در این زبان واژه بحران معادل فرصت خطرناک، یعنی ترکیبی از تهدید و فرصت تعریف شده است. این تعریف به ما کمک می‌کند که از نظر مدیریتی (تصمیم‌سازی) به بحران نگریسته، و دور از مناقشات مفهومی و گونه‌شناختی، هر بحران را به عنوان یک عرصه تدبیر و تصمیم (ترکیبی از تهدیدات و فرصت‌ها) مورد مطالعه قرار دهیم (حسینی، ۱۳۸۴، ج ۱۳: ۱). بحران‌ها از آن جهت که شوک یا ضربه‌ای ناگهانی به نظام‌های اجتماعی وارد می‌کنند و آن‌ها را به تلاش و تدبیر خردمندانه فرامی‌خوانند، نوعی فرصت تلقی می‌شوند (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷: ۳۷). بحران یک تحول منفی نیست بلکه می‌تواند پله صعود و پیشرفت باشد. اگر بحران را این گونه معنا کنیم رویکردی هم که نسبت به بحران اتخاذ خواهیم کرد رویکردی فعال و ایجابی خواهد بود و صرفاً نگاهی منفعل و سلبی نخواهیم داشت.

۱-۲- مفهوم بحران در گفتمان قرآن کریم

مشخص است «بحران» یک مفهوم امروزی و جدید است و در ادبیات مدیریتی و سیاسی علوم جدید تولید شده است و نمی‌توان تعریف مشخص و عینی برای این مفهوم در قرآن کریم یافت، لذا به منظور دست‌یابی به تعریف قرآنی از بحران باید به جستجوی معادل یا

معادل‌هایی برای آن در قرآن رفت و در چارچوب تحلیل واژگان مرتبط با مفهوم بحران، به تعریفی قرآنی از مفهوم مورد نظر رسید. به همین منظور بر اساس دو ملاک به انتخاب واژگانی قرآنی و مرتبط با بحران می‌پردازیم. این دو ملاک عبارتند از: اولاً. بر اساس حوزه معنایی واژگان قرآنی که این واژگان به مفهوم بحران نزدیکند و دارای کاربردی تقریباً مشابه می‌باشند.

ثانیاً. برخی از واژگان هستند که دارای مصادیق مشترک با مفهوم بحران می‌باشند و بر اساس همین مصادیق، کاربردهایی همسان دارند. بر این اساس به دوازده واژه در قرآن کریم دست یافتیم که ضمن تعریف مختصر این عبارت میزان ارتباط این واژگان و مفاهیم را با مفهوم بحران بررسی می‌کنیم. این واژگان عبارتند از:

۱-۲-۱- **فتنه:** فتنه هم در سختی و هم در آسایش همراه انسان است و انسان را از آن گریزی نیست ولی معنی این واژه در شدت و سختی آشکارتر و به کاربردنش بیشتر است (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۶۲۳). در مجموع «فتنه» در قرآن کریم در معانی چون آزمایش، شکنجه و آزار، بت‌پرستی، شرک و سدّ راه مؤمنان، گمراهی و اضلال و بلا و عذاب به کار رفته است. تمامی این معانی بیان‌کننده شرایط و یا مصادیقی بحرانی هستند.

اما در یک تحلیل کلی فتنه دارای دو مفهوم اصلی است و بسته به فاعل آن می‌تواند معنای متفاوتی داشته باشد. اگر خداوند فاعل فتنه‌ای باشد آن یک آزمایش و آزمون است و اگر بنده در این امتحان سربلند بیرون آید از نیکوکاران و اگر آزمون را به خوبی پشت سر نگذارد از ستمکاران است. اما اگر فاعل فتنه انسان باشد، آن فتنه آشوب‌گری و بدعت‌گذاری است و دارای بار ارزشی منفی است.

واژه «فتنه» به معنای آزمایش و امتحان الهی یکی از مصادیق بحران به معنای شرایط تحول مساعد یا نامساعد است. هر فتنه‌ای (آزمایش الهی) می‌تواند یک بحران باشد، بحران به معنای فرصت و تهدید، اما هر بحرانی یک فتنه نیست، بلکه بحران مفهومی گسترده‌تر و وسیع‌تر است و مصادیق دیگری نیز دارد، در نتیجه نسبت مفهوم فتنه به معنای اول با بحران عموم و خصوص مطلق است.

فتنه به معنای دوم یعنی حالتی که آدمی پدیدآورنده آن است نیز با بحران ارتباط معنایی دارد، چرا که در این معنای فتنه، فتنه‌انگیزان جامعه را گمراه و شرک و بت‌پرستی را ترویج می‌کنند، سدّ راه مؤمنان شده مانع رشد آنان می‌گردند و زنان و مردان مؤمن را شکنجه و آزار می‌دهند و در کل جامعه اسلامی را دچار نوعی بحران می‌کنند. معنای دوم مفهوم «فتنه» نیز با مفهوم «بحران» ارتباط دارد و می‌توان آن را یکی از مصادیق آشکار بحران در جامعه اسلامی دانست. نسبت این معنی از فتنه نیز همچون معنای قبلی این واژه با بحران عموم و خصوص مطلق است.

۱-۲-۲- فساد: این لغت به معنی تباه شدن و خروج از حالت اعتدال است، خارج شدن از حد اعتدال چه کم و چه زیاد. کلمه فساد ضد صلاح است. یکی از مشتقات پر کاربرد این لغت در قرآن کریم کلمه مفسد است، مفسد معانی گوناگونی دارد: گناهکار، قاتل، مهاجم و سفاک، مدّعی خدایی، کافر، شرک، نافرمان از پیامبران، عامل منکرات و... (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۵۸۳).

در مجموع «فساد» در قرآن کریم در معانی چون آشوب کردن، گناه کردن، سدّ راه خدا نمودن، تقویت کفر و تضعیف اسلام، خروج عده‌ای از مسلمانان به کفر خارج شدن از تعادل، از هم پاشیدن نظام (آسمان‌ها و زمین)، سرقت مسلحانه و ایجاد رعب، نا امن کردن جامعه، معصیت و کفر و تباه کردن ملک و حکومت به کار رفته است.

همه این معانی نمونه‌ای از وقوع یک بحران در جامعه دینی است و بروز هر یک از آنان به تنهایی می‌تواند یک بحران را منجر شوند. مفهوم «فساد» با مصادیق ذکر شده با مفهوم «بحران» با مصادیقی چون، اضطراب، فشار، خشونت، تردید و تهدید ارتباط معنایی دارد و دارای وجوه مشترک بسیاری است. بنابراین فساد می‌تواند از جمله مصادیق بروز یک وضعیت بحرانی باشد، نسبت این دو مفهوم نیز عموم و خصوص مطلق است. جامعه‌ای که به دست مفسدان دچار فساد شود، جامعه‌ای بحران زده است و بروز فساد، نمایانگر نوعی بحران است.

۱-۲-۳- **بغی**: این لغت به معانی «ظلم، فساد، عدول از حق، تجاوز، سرکشی» می‌باشد. قاموس قرآن این واژه را این گونه معنی می‌کند: «طلب توأم با تجاوز از حد». این معنی با مطلق تجاوز قابل جمع است زیرا تجاوز از طلب جدا نیست؛ هر جا که تجاوز هست طلب نیز هست (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۲-۱: ۲۰۷). این واژه در قرآن کریم در معانی چون ستم کردن، تجاوز کردن، از حد گذشتن، سزاوار و شایسته بودن، زینده بودن، طغیان و ایجاد فساد، زنا، حسادت و دشمنی، ظلم و تکبر و طلب فضل به کار رفته است.

«بغی» و «باغی» را می‌توان عاملی برای بروز حالت بحرانی دانست، هرگاه در جامعه‌ای عده‌ای زیاده طلبی کنند و از حد تعادل تجاوز کرده و حقوق دیگران ضایع کنند، طبیعتاً بخشی از جامعه را دچار فشار، بلاء، تهدید و اضطراب خواهند کرد، سبب رخداد بحران در جامعه می‌شوند. بغی می‌تواند نمونه‌ای از بحران در جامعه انسانی باشد که روابط طبیعی را تحت تأثیر قرار داده، نظم موجود را برهم می‌زند. بنابراین بغی مصداقی از بحران است. اما مفهوم «بحران» مفهومی گسترده‌تر است و نسبت این دو مفهوم نسبت عموم خصوص مطلق می‌باشد.

۱-۲-۴- **بلاء**: این واژه از ماده «بلی» و به معنی امتحان است، حال این امتحان می‌تواند دو گونه تعریف شود اول به معنی مصیبت و اندوه و در صورت دوم امتحان نعمت است برای رشد و تعالی بنده. این واژه در مورد خداوند به معنی اظهار احکام قدر و ابراز آن چه در مخلوق به ودیعه گذاشته می‌باشد که در این صورت با اظهار استعداد در جهان خارج، ثواب و عقاب الهی بر آن مترتب می‌گردد. پس ابتلاء نعمتی از ناحیه حق جهت ظهور استعدادات، و بنده‌ای که سر آن را دریابد طلب زیاده می‌نماید (خرمشاهی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۱۱۳).

در مجموع «بلاء» و «بلی» به معانی امتحان و آزمایش با نعمت و یا با نعمت، کهنه نشدنی و همیشگی، روشن شدن و آشکار شدن، فهمیدن، سختی، مصیبت و اندوه در قرآن کریم به کار رفته است.

اگر ما «بحران» را مفهومی دوگانه از تهدید و فرصت بدانیم، می‌توانیم بین این تعریف از بحران و مفهوم «بلاء» در قرآن که می‌تواند تهدید و غضب الهی باشد و یا فرصت



و لطفی برای رشد کمال بندگان، ارتباط معنایی برقرار کرده و بلاء را از مصادیق «بحران» در جامعه دینی بدانیم، پس نسبت این دو مفهوم عموم و خصوص مطلق خواهد بود.

۱-۲-۵- عمه: در لغت یعنی سرگردانی، راغب آن را سرگردانی ناشی از حیرت گفته است، دو دلی و تردید داشتن در کار از روی تحیر و سرگردانی راغب (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۵۸). این کلمه به صورت فعل «يَعْمَهُون» هفت بار در قرآن کریم آمده و همه این هفت بار درباره کفار و منافقان است.^۲

یکی از آثار دوره بحران سرگردانی و تحیر است، چرا که حادثه و اتفاق روی داده، زمان کم و غافلگیری، سبب می شود که بحران زدگان دچار سرگردانی و بی تصمیمی شوند و در نهایت نتوانند شرایط بحران را کنترل و مدیریت کنند، از این رو می توان «عمه» را از مصادیق و آثار وقوع بحران دانست. لکن ذکر این نکته لازم است که سرگردانی مورد نظر قرآن حاصل از یک عامل درونی و نقص در اعتقاد به خداوند است که آفتی در قلب منافقان و کفار بوده، آنان را دچار سرگردانی می کند و در یک بحران عمیق فرو می برد. بنابراین می توان نسبت مفهوم «عمه» و مفهوم «بحران» را می توان عموم و خصوص مطلق دانست و از سرگردانی به نوعی بحران یاد کرد.

۱-۲-۶- تیه: واژه «تیه» به معنای سرگردانی، گمراهی در مسیر و کبر و غرور آمده است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶: ۳۴۴). این واژه در قرآن کریم تنها در آیه ۲۶ سوره مبارکه مائده آمده است. یتیهون از ماده «تیه» به معنی سرگردانی است ولی بعداً این نام (نامتیه) به بیابانی گذارده شد که بنی اسرائیل در آن سرگردان بودند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴: ۳۴۳) این آیه بر سرگردانی قوم بنی اسرائیل به سبب عدم اطاعت از خداوند متعال و دستورات موسی (ع) در بیابان سینا اشاره دارد.

سرگردانی و گمراهی یکی از حالت بحران و بحران زدگی است و می توان آن را از مصادیق شرایط بحرانی دانست، بنابراین ارتباط این مفهوم و مفهوم بحران عموم و خصوص مطلق می باشد، بحران عام و تیه خاص است.

۱-۲-۷-کبد: کبد مشقت و سختی است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۶۹۵)، این واژه در قرآن کریم یکبار به کار رفته و مراد از آن در آیه مشقت و سختی است.^۳ می‌توان نسبت مفهوم «کبد» و «بحران» را این گونه تحلیل کرد که، کبد مطلق سختی‌ها و رنج‌ها در زندگی انسانی را شامل می‌شود، و بحران که وضعیتی خاص در روند زندگی بشری می‌باشد، چه این رنج ذهنی و روحی باشد چه جسمی و فیزیکی. بحران را از آن جهت بحران گویند که در بردارنده نوعی فشار و تهدید و سختی است، پس هر بحرانی همراه با رنج و سختی به هر کیفیت و کمیتی.

لکن مفهوم «کبد» در مقایسه با بحران مفهوم عام‌تری است، چرا که بسیاری از رنج‌ها و سختی‌ها را نمی‌توان بحران دانست چرا که بسیاری از مصادیق «کبد» خالی از وضعیتی بحرانی دارای ویژگی‌هایی چون اضطراب، لاعلاجی و غافلگیری هستند. در کل می‌توان گفت که هر بحرانی یک کبد و سختی است، اما هر سختی و رنجی یک بحران نیست. پس نسبت میان این دو واژه عموم خصوص مطلق است که عام کبد و خاص بحران می‌باشد.

۱-۲-۸-عُسر: در لغت به معنی «دشواری» است و نقیض «یسر» است. کلمه عسر و مشتقات آن به سختی معشیت و دشواری‌های زندگی در اشکال مختلف اشاره دارند که در قرآن کریم در معانی چون سختی زندگی و معیشت، نقطه مقابل یسر، تنگدستی مالی و سختی در اقتصاد و دیگران را به سختی انداختن به کار رفته است.

مفهوم «عسر» و مفهوم «بحران» هر دو به نوعی سختی و دشواری اشاره دارند و می‌توان وضعیت بحرانی را که همراه با نگرانی، فشار و اضطراب است یکی از مصادیق «عسر» دانست، لکن عُسر مفهومی عام‌تر است و برخی دشواری‌ها که حالتی بحران گونه ندارند را نیز شامل می‌شود. مانند مؤخذه و تنبیه که در اثر اشتباه رخ می‌دهد.^۴ بنابراین ارتباط و نسبت این دو مفهوم نیز عام و خاص مطلق است.

۱-۲-۹-حرج: در لغت به معنای «سختی، تنگی، فشار و دشواری» است. این لغت و مشتقات آن در قرآن کریم ۱۵ مرتبه به کار رفته‌اند و دال بر تنگنا و دشواری است. مفهوم «حرج» دو نوع تنگنا و گرفتاری را بیان دارد، تنگنای روحی و فکری و تنگنای ظاهری و مادی، که هر دو مورد این تنگناها در بحران دیده می‌شود و هرگاه بحران رخ دهد بسته به

نوع بحران فشارهای فکری و روحی و سختی مادی حتماً رخ خواهد داد، لذا مفهوم بحران می‌توان از جمله وضعیت‌های باشد که سبب سختی و «حرج» می‌گردد، در نتیجه نسبت این دو مفهوم نیز مانند دو مفهوم اخیر عموم و خصوص مطلق است.

۱-۲-۱۰- **ضرر:** واژه ضرر و مشتقات آن در قرآن همگی بر نوعی ضرر، زیان، پریشان حالی و... در انسان اشاره دارند. به عنوان مثال کلمه **ضدّ** به فتح (ض) مطلق ضرر و زیان است مقابل نفع و ضدّ به ضم ب معنی بدحالی است (قرشی، ۱۳۷۸، ج ۴: ۱۷۶) و یا واژه «ضراء» به معنای بلاء و مضرتی است که از حال پریشان صاحبش خبر دهد. این کلمه حکایت از احوال ظاهری است و دلالت بر مبالغه دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۰: ۴۷). این عبارت و مشتقات آن به سختی و گرفتاری اشاره دارند که از ویژگی‌های یک حالت بحرانی است و در برخی موارد ثمره و نتیجه یک بحران است. مفهوم «ضرر» در قرآن کریم و مفهوم «بحران» دارای معانی و مصادیق مشترک هستند و در صورتی که بحران را صرفاً با نگاه تهدیدی تعریف نماییم، بحران در وجه منفی و سلبی خود از مصادیق ضرر است و ارتباط این دو مفهوم عموم و خصوص مطلق خواهد بود.

۱-۲-۱۱- **حرب:** واژه «حرب» معادل جنگ است و این واژه به خاطر کاربرد در دایره مفاهیم منفی مانند جنگ با خدا و پیامبر^۵ و کاربرد در دایره مفاهیم مثبت مانند جنگ پیامبر(ص) در مقابل کفار^۶ بار ارزشی ندارد و آن چه ارزش آن را مشخص می‌کند، جهت و هدف آن است. بنابراین بعضی از مصادیق حرب ممکن است دفاع مشروع باشد و برخی دیگر از مصادیق آن، توسل به زور و خشونت نامشروع خواهد بود (فیض الهی، ۱۳۸۹: ۱۰۳). بنابراین مفهوم «حرب» مفهوم دوگانه است و اگر معنای صحیح و مشروع آن را در نظر بگیریم، در این حالت ارتباطی با مفهوم بحران ندارد. اما اگر مفهوم «حرب» به معنای نامشروع و ناصحیح آن را در نظر بگیریم می‌توانیم آن را نوعی بحران اجتماعی دانسته و از مصادیق وضعیت بحرانی برشمردیم. در نتیجه ارتباط مفهوم «بحران» و «حرب» نسبت عموم و خصوص من وجه است.

۱-۲-۱۲- **قتل و قتال:** از مشتقات کلمه «قتل» (کشتن) قتال و اقتتال هستند که بر یک موضوع طرفینی و دو طرفه اشاره دارند. در موردی به کار می‌رود که هر یک از طرفین تصمیم و تلاش در کشتن طرف دیگر را دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۶۵۵).^۷

آن جایی که مفاهیم «قتل» و «قتال» خارج از مسیر الهی مطرح است، می‌توان آن را نمونه و مصداقی از وقوع یک بحران دانست.^۸ روشن است که قتل بدون دلیل شرعی و در مسیری خارج از مسیر الهی جامعه انسانی را دچار بحران می‌کند.^۹ بنابراین قتل به معنای منفی و نادرست آن می‌تواند از مصداق بحران باشد. در نتیجه می‌توان گفت که مفهوم «قتل» و «قتال» در برخی موارد از مصداق «بحران» هستند و می‌توان ارتباط این دو مفهوم را عموم خصوص من وجه دانست.

جهاد از جمله مفاهیمی است که با مفاهیم قتل و قتال ارتباط معنایی دارد و در برخی ابعاد و انواع، دارای مصداق مشترک می‌باشد. این کلمه از ریشه «جهد» به معنای «وسع، طاقت، سختی و مشقت» است. جهاد و مجاهد، تلاش توأم با رنج است. «مجاهده» به معنای به کار بردن آخرین حد وسع و قدرت در دفع دشمن است و جهاد بر سه قسم است، جهاد با دشمن ظاهری، جهاد با شیطان، جهاد نفس (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱: ۲۰۸). کلمه جهاد به صورت‌های مختلف و در معانی مختلف در قرآن کریم به کار رفته است از جمله مبارزه، سعی و تلاش بسیار و استطاعت و توانایی.

با توجه به معنا و کاربرد متفاوت جهاد در قرآن کریم، می‌توان به این نتیجه رسید که برخلاف مفهوم قتل و قتال، «جهاد» با «بحران» ارتباط معنایی مستقیم نداشته و نمی‌توان این دو را به هم اتصال داد، جهاد اسلامی عملی آگاهانه و در جهت حل بحران می‌باشد، لکن بحران وضعیتی ناخودآگاه و غافلگیرانه است و این دو به هم ارتباط ندارد.

۱-۲-۱۳- رعب: در لغت به معنای ترس است، راغب اصفهانی آن را لاعلاجی از کثرت خوف معنا کرده (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۳۵۶) طبرسی نیز در مجمع البیان آن را «خوف و فزع» معنا کرده است. در مجموع به نظر «ترس»، «لاعلاجی»، «گم کردن خود» و «دستپاچه شدن» معانی این واژه باشند.

واژه رعب در قرآن کریم در ۵ مورد استعمال شده است که در ۴ مورد اشاره به ایجاد ترس در دل‌های کفار و مشرکان توسط خداوند و یک مورد هم مربوط به هیبت اصحاب کهف است، در نتیجه این واژه نمی‌تواند ارتباط چندان مستقیمی با وضعیت بحرانی داشته باشد و تنها در برخی موارد محدود اشتراک دارند.

بحران در برخی موارد همراه با ترس و رعب است لکن همگی بحران‌ها ترس‌آور نیستند و نمی‌توان این دو مفهوم را لازم و ملزوم هم دانست، ترس هم همیشه زائیده شرایط بحرانی نیست، ترس ممکن است زائیده عواملی درونی و روانی باشد، ممکن است زائیده توهمات و خیالات باشد، ممکن است زائیده وسوس‌های شیطانی باشد. بنابراین شاید بحران و رعب در برخی مصادیق دارای اشتراکات محدودی باشند و ارتباط این دو واژه را در شکل منطقی عموم خصوص من وجه دانست.

از مجموع واژه‌هایی که بررسی شد واژه‌های «فته»، «فساد»، «بغی»، «بلاء»، «عمه»، «تیه» از مصادیق بحران بوده و در قالب مفهوم بحران دیده می‌شوند. واژه‌های «حرج»، «کبد»، «ضرر» و «عسر» مفاهیم گسترده‌ای بودند که بحران یکی از مصادیق آنان می‌باشد. در نهایت دو واژه «حرب»، «رعب» و «قتال» وجوه اشتراک و افتراقی با بحران دارند. مفهوم «جهاد» نیز با توجه به تحلیل معنایی که صورت گرفت ارتباط معنایی با بحران ندارد.

از نگاه قرآن واژه‌های «فساد»، «بغی»، «تیه» و «عمه» دارای بار ارزشی منفی بود، و نظر قرآن کریم در مورد آنان منفی است. با توجه به مصادیق ذکر شده می‌توان نتیجه گرفت که «بحران» از نگاه قرآن امری منفی است و آنان که در مسیر حق حرکت نکنند دچار آن خواهند شد، یعنی مشرکان و منافقان.

اما دو واژه «فته» و «بلاء» همان‌طور که ذکر شد دو وجهی بوده، می‌توانند زمینه سعادت و یا هلاکت را فراهم کنند، اگر بنده در میادین آزمایش‌های الهی موفق و سربلند

باشد به سعادت گامی نزدیک شده و اگر در این آزمون‌ها موفق نباشد در مسیر هلاکت قرار می‌گیرد. این دو واژه نشان می‌دهند که یکی از مصادیق بحران در قرآن همان آزمایش الهی است که در اشکال مختلف روی می‌دهد و می‌تواند فرصت و زمینه‌ای باشد برای رشد یا تهدیدی باشد برای ضلال و سقوط و از این نگاه بحران مفهومی دو وجهی است.

دسته دوم از واژه‌هایی که با مفهوم «بحران» مرتبط بودند واژه‌های بدون بار ارزشی خاص است. «حرج» «کبد»، «ضرر»، «عسر» نشان‌دهنده سختی و تنگنا هستند و از تحلیل این واژه‌ها می‌توان این نتایج را به دست آورد که بحران به عنوان یک شرایط سخت و دشوار مطلوب خداوند نیست؛ باید آن را دوره‌ای گذار و زمینه برای رشد دید، لکن این دشواری‌ها در طبیعت و ناموس زندگی انسانی جای دارد و بحران امری غیرمنتظره و غافلگیر کننده نیست، بلکه انسان مؤمن باید روبرویی و گرفتاری به سختی‌ها و بحران‌ها را بپذیرد و آن را فرصتی برای رشد و کمال بداند.

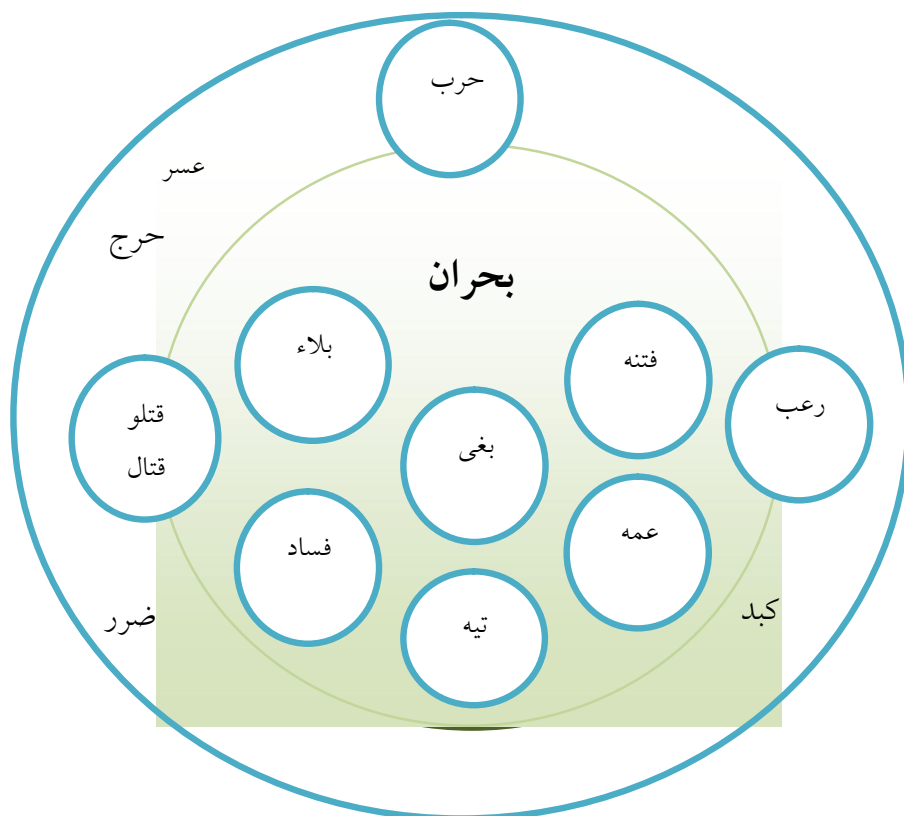
با توجه به دو واژه «حرب» و «قتال» بحران و مفهوم بحران امری دو چهره و دو گانه است، بسته به نوع، نیت و کیفیت آن می‌تواند امری مثبت و یا منفی باشد. بحران هم می‌تواند تهدیدی برای جامعه دینی بوده و آن را در سرازیری سقوط بود و هم می‌تواند فرصتی باشد برای انجام به تکالیف الهی و رسیدن به مرتبه‌ای بالاتر و باعث قرب الهی گردد.

در نهایت می‌توان این گونه جمع‌بندی کرد که از نگاه قرآن کریم:

الف) بحران و مصادیق آن فی نفسه امری پسندیده و مطلوب نیست.

ب) از نگاه قرآن «بحران» و وقوع آن جزء طبیعت خلقت جامعه انسانی بوده و وضعیتی گریز ناپذیر است.

ج) بحران از نگاه قرآن آزمونی است که هم می‌تواند بستر رشد باشد و هم می‌تواند بستر پست رفت و گمراهی.



نمودار ۱. ارتباط مفاهیم قرآنی و مفهوم «بحران»

۱-۳- مفهوم مدیریت بحران

در شرایط بحرانی با توجه به کمبود زمان و فرصت و برهم خوردن شرایط طبیعی، الگوهای رایج مدیریت کارساز نیستند و باید به سراغ الگوهای خاص مدیریت بحران رفت که اضطراب، فشار، کمی دقت و در کل شرایط خاص بحران را در نظر دارند. بنابراین «مدیریت بحران» نوع و شکل خاصی از مدیریت است که با دیگر رویکردها و الگوهای مدیریت متفاوت بوده و ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد.

مدیریت بحران را می‌توان فرآیند به کارگیری جامع، بهینه و سریع منابع در دسترس برای کنترل ناآرامی‌ها و اختلالات با حداقل هزینه و خسارت دانست. بر این اساس، شاهد تقابل دو دسته از بازیگران هستیم که ممکن است هر کدام دارای بخش‌ها و طیف‌های

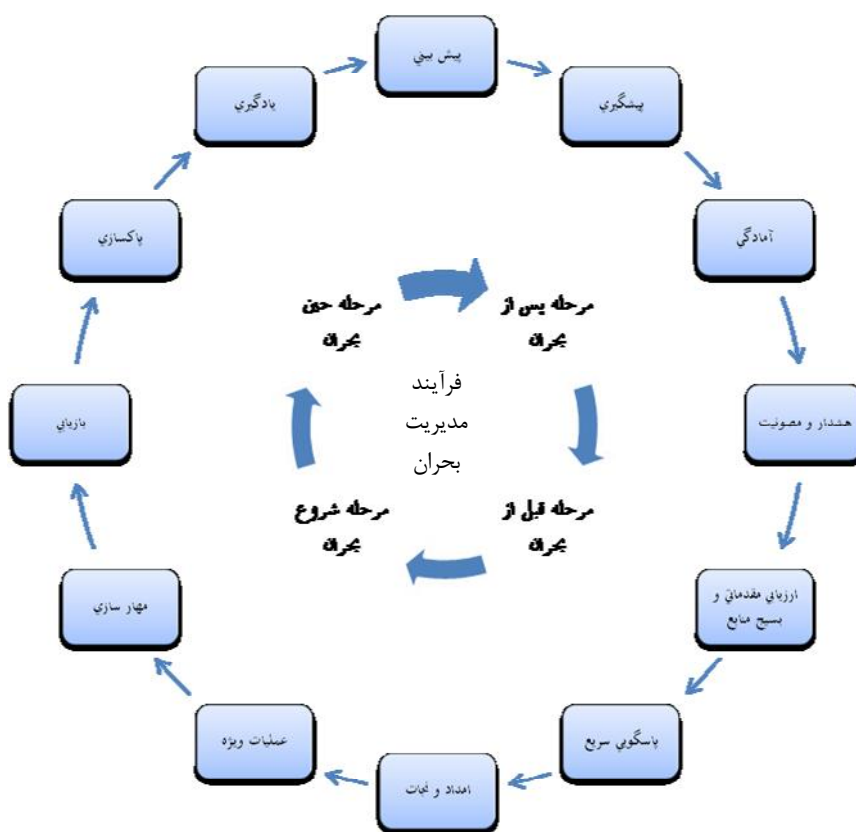
گوناگونی باشند و در این تقابل الگوهای مدیریت بحران از جانب بازیگران حاکم به کارگیری می‌شوند تا در این تقابل پیش آمده، بستری را فراهم سازند که شرایط به حالت عادی باز گردد و طرف مقابل کنترل و هدایت شود. ناگفته نماند که مدیریت بحران را نمی‌توان به مثابه یک علم دقیقه دانست و آن را در حد «تسکین و فرو نشاندن» تقلیل داد. مقدم بر هر چیز، مدیریت بحران هنری است که از رهگذر آن دولت مردان، نخبگان و بازیگران در صحنه، نقش تعیین کننده خود را به نمایش می‌گذارند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۴۸).

۲- الگوی چرخشی مدیریت بحران

در میان الگوهای رایج مدیریت بحران، اصول الگوی جامع مدیریت بحران با توجه به مراحل مختلف شکل‌گیری، ایجاد و پایان بحران طراحی شده است و در بر دارنده تمامی اصول مذکور در الگوهای رایج و مطرح در این حوزه است. روشندل اربطانی و همکاران الگویی را با عنوان الگوی چرخشی شکل مدیریت بحران ارائه کرده‌اند که می‌توان آن را در برگیرنده تمامی الگوهای مطرح شده قبلی دانست. از این الگو می‌توان اصول دوازده گانه‌ای را استخراج نمود که مبنای الگوی جامع مدیریت بحران است. این الگوی چرخشی شکل از چهار مرحله قبل، شروع، حین و پس از بحران تشکیل شده است که هر کدام از این مراحل اصول خاص خود را می‌طلبد. در این الگو هر مرحله و نوع مدیریت آن بر مرحله بعدی اثرگذار است.

مرحله قبل از بحران شامل سه اصل پیش‌بینی، پیش‌گیری و آمادگی می‌شود. این سه اصل منجر به این می‌شود که مجموعه در روبرویی با بحران غافلگیر نشود و با آمادگی لازم و تجهیزات مناسب با بحران روبه‌رو گردد. مرحله دوم مدیریت بحران در حین بحران است که مهم‌ترین مرحله مدیریت یک بحران است. این مرحله دارای سه اصل امداد و نجات، عملیات و ویژه مهارسازی است. مرحله سوم مدیریت بحران که آخرین مرحله مدیریت بحران است و معمولاً مورد غفلت قرار می‌گیرد، مرحله پس از بحران است، که شامل سه اصل بازیابی، بازسازی و یادگیری می‌شود (روشندل اربطانی، ۱۳۸۷: ۴۸-۵۰).

الگوی اخیر به نوعی جامع دیگر الگوهای مدیریت بحران به نظر می‌رسد و تمامی اصول موجود در دیگر الگوهای موجود را دارا می‌باشد، چرا که با توجه به نگاه چرخشی و سیستمی از سویی و از سوی دیگر بیان مرحله‌ای مدیریت بحران، مجموعه اصول و مراحل دیگر الگوهای مدیریت بحران را در خود جای داده است. لذا به عنوان الگوی مختار و چارچوب نظری به کار گرفته خواهد شد.



نمودار شماره ۲. الگوی چرخشی مدیریت بحران

۳- اصول مدیریت بحران رسول اکرم(ص)

یکی از مصادیق اصلی بحران، جنگ و حرب است. در جنگ، فشار، اضطراب و تمامی علائم بحران رخ می‌دهد و نقش مدیران و رهبران در جنگ و کنترل بحران بسیار مهم و حساس و تعیین کننده است. جنگ احزاب (خندق) یکی از حساس‌ترین نبردهای پیامبر(ص) در طول دوران بعثت ایشان می‌باشد، چرا که در این نبرد سپاه اسلام از جانب سه گروه مورد حمله‌های روانی و فیزیکی قرار گرفت. یک گروه کفار بودند که از طوایف و قبایل مختلف گرد هم آمده بودند و با تمام توان قصد حمله به سپاه اسلام و نابودی اسلام را داشتند، گروه دیگر یهودیان ساکن در مدینه بودند که مانند ستون پنجم عمل کرده و قصد ضربه زدن و غافلگیر کردن مسلمانان را داشتند و گروه سوم منافقان بودند که در میان مسلمانان به شایعه پراکنی و جنگ روانی می‌پرداختند و قصد داشتند که اراده مسلمانان را سست نمایند. بنابراین می‌توان «احزاب» را بحرانی تمام عیار دانست که به لطف الهی و مدیریت و رهبری خردمندانه رسول اکرم(ص) کنترل و مدیریت شد. حال به بررسی اصول مدیریتی به کار گرفته شده توسط نبی مکرم اسلام در این بحران می‌پردازیم.

۳-۱- اصول مدیریت بحران

اصول مدیریت بحران که توسط پیامبر اکرم(ص) در نبرد احزاب به کارگیری شده است در قالب الگوی سه مرحله‌ای بحران مدیریت و در سه مرحله قبل، حین و بعد از بحران بررسی می‌کنیم و در نهایت آن اصول را در قالب الگوی چرخشی مدیریت به نمایش می‌گذاریم.

الف) اصول مدیریت قبل از بحران

یک. اصل هدایت و تربیت: مسلمانان مدینه از انصار و مهاجرین تحت هدایت و رهبری رسول اکرم(ص) قرار گرفته بودند و ایشان از فیض و جود او بهره‌های فراوانی بردند. مسلمانان آموخته بودند که در راه تعالی دین همچون نبی اکرم(ص) باید تمام تلاش و توان خود را بکار بندند و از همه تعلقات بگذرند. بنابراین مسلمانان آماده رویارویی با هرگونه سختی و بحران بودند تا خود را محک زده و اخلاص و صداقت خود را نمایان سازند.



دو. اصل پیش‌گیری: همان‌طور که ذکر شده رسول اکرم (ص) قبل از نبرد بزرگ احزاب، هر گونه مخالفت احتمالی و حمله به مدینه را سرکوب کرد و در غزوات و سریه‌های متعدد مدینه و اطراف آن را ایمن‌سازی کرد. پیامبر اسلام با این سریه‌ها و غزوات پایه‌های نهضت اسلام را در مدینه محکم کرد، و به‌ویژه با غزواتی که انجام داد و قسم اعظم آن را نیز خود رهبری کرد (طلاس، ۱۳۵۴: ۳۷۰).

سه. اصل پیش‌بینی: رسول اکرم (ص) با ارسال مأموران و مخبران مسلمان به نقاط مختلف از هر گونه خطر احتمالی آگاه می‌شد. یکی از این اخبار مهم و حساس که فرصت بسیار مناسبی را در اختیار رسول اکرم (ص) قرار داد، خبر جنگ احزاب بود.

از وسایل پیروزی رسول اکرم (ص) در اعمال نظامی پس از جنگ احد و پیش از غزوه خندق پخش کردن مراقبین و جاسوس‌ها در پیرامون پایتخت نهضت اسلام بود، که او را از هر گونه حرکتی و یا نقل و انتقالاتی و نیز تشکیل اجتماعات و مقاصد خصمانه دشمنان آگاه می‌نمودند (طلاس، ۱۳۵۴: ۳۷۰).

رسول الله (ص) در سایه عنایات خداوندی با اقدامات مقتضی توانست بحران و جنگ احتمالی را پیش‌بینی کند و بدین صورت مسلمانان در برخورد با بحران غافلگیر نشدند و با توجه به این پیش‌بینی توانستند تصمیمات مناسب را اتخاذ نمایند و با مشورت و نهایتاً حفر خندق به استقبال نبرد رفتند. مسلمانان از حمله دشمن مطلع بودند و این امر از قبل وعده داده شده بود و غیرمنتظره نبود.^{۱۰}

ب) اصول مدیریت در حین بحران

یک. اصل لطف و امداد الهی: در تمامی مراحل نبرد احزاب، به خصوص در اوج نبرد خداوند متعال یاری‌گر مسلمانان بود و در آیات سوره مبارکه احزاب صراحتاً بر این موضوع اشاره دارد:

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نعمت خدا را بر خود به یاد آورید» (سوره مبارکه احزاب / آیه ۹)^{۱۱}

- «خدا کافران را با دلی پر از خشم بازگرداند بی آنکه نتیجه‌ای از کار خود گرفته باشند و خداوند (در این میدان)، مؤمنان را از جنگ بی نیاز ساخت (و پیروزی را نصیبشان کرد) و خدا قوی و شکست‌ناپذیر است!» (سوره مبارکه احزاب / آیه ۲۵)^{۱۲}

- «و خداوند گروهی از اهل کتاب [یهود] را که از آنان [مشرکان عرب] حمایت کردند از قلعه‌های محکمشان پایین کشید و در دلهایشان رعب افکند (و کارشان به جایی رسید که) گروهی را به قتل می‌رساندید و گروهی را اسیر می‌کردید» (سوره مبارکه احزاب / آیه ۲۶)^{۱۳}

دو. اصل ایمان و توکل به خداوند: ایمان عامل قدرت و روحیه مسلمان است:

- «این موضوع جز بر ایمان و تسلیم آنان نیفزود» (سوره مبارکه احزاب / آیه ۲۲)^{۱۴}

آنان از حمله دشمن ترس به دل راه ندادند و به وعده الهی اعتماد نمودند. در جای جای نبرد احزاب، قرآن کریم لطف و عنایت الهی به مؤمنان واقعی را یادآور می‌شود. یکی از اصولی که باید مسلمانان در حین بحران به یاد داشته باشند توکل به خداوند متعال و طلب لطف الهی است، چرا که مسبب الاسباب و عامل اصلی پیروزی مسلمانان بر بحران‌ها و حوادث خداوند متعال است و اگر ما وظیفه خود را به خوبی انجام دهیم، خداوند به ما آگاه و بصیر است و ما را یاری می‌دهد. البته کاملاً روشن است که این اصل در تمامی مراحل مدیریت بحران جاری است و اختصاص آن به مرحله خاص چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. اما در این تحقیق بر اساس سیر آیات به استخراج اصول پرداخته‌ایم که در نتیجه این اصل در مرحله دوم مدیریت بحران ذکر و بررسی شده است.

- «و خداوند همیشه به آنچه انجام می‌دهید بینا بوده است»، همه امور به دست الهی است» (سوره مبارکه احزاب / آیه ۹)^{۱۵}

- «آنها جز خدا هیچ سرپرست و یآوری برای خود نخواهند یافت» (سوره مبارکه احزاب / آیه ۱۷)^{۱۶}

سه. اصل مشورت: مشورت کردن شیوه عمل آن حضرت بود، چنان که در نبرد احزاب یا خندق نیز با اصحاب مشورت کرد و نیز در پیکارهای بنی‌نضیر و بنی‌قریظه در بر خورد با یهودیان پیمان‌شکن و خیانتکار مدینه چنین کرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۵: ۴۰۰).



تدبیر حفر خندق در نتیجه مشورت با اصحاب بود، سلمان فارسی پیشنهاد داد که دور شهر را خندق بکنند تا از ورود دشمن به شهر جلوگیری شود. رسول خدا(ص) این نظر مشورتی سلمان را مناسب دید و به کار بست. همان طور که از این شیوه و سیره رسول گرامی اسلام(ص) بر می آید تأکید بر اندیشه و فکر آن هم به شکل جمعی و مشورتی اصلی کارآمد و پسندیده است و رویکرد عاقلانه اسلامی را در حل و رفع مشکلات اجتماعی گواهی می دهد.

چهار. اصل هوشیاری: قرآن کریم منافقان را که در واقع، به مثابه ستون پنجم دشمن هستند، مفسد فی الارض و آن ها را بزرگترین دشمن حق و حقیقت می شمارد، به پیامبر اکرم(ص) هشدار می دهد که به آنان اطمینان نکند (علیخانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۱۳).

قرآن کریم زمانی که داستان جنگ احزاب را بیان می دارد از سه گروه نام می برد، گروه یک. مؤمنان حقیقی، گروه دو. منافقان و گروه سه. معوقین و مرددین که بیش از همه این گروه ها به منافقان اشاره دارد و آنان به دلیل نفاقشان از حال تعادل بیرون اند و به آنان امیدی نیست.

- «آنها در همه چیز نسبت به شما بخیلند و هنگامی که (لحظات) ترس (و بحرانی) پیش آید، می بینی آن چنان به تو نگاه می کنند، و چشمهایشان در حلقه می چرخد، که گویی می خواهند قالب تهی کنند» (سوره مبارکه احزاب/ آیه ۱۹).^{۱۷}

توصیه قرآن کریم به رسول اکرم(ص) است که به این ها امید مبند، اینان افرادی بزدل، ترسو، فتنگر، تفرقه افکن، عهدشکن و بی ایمان هستند که قلب هایشان مریض است و سبب دلسردی دیگر مسلمانان می گردند. در سوره احزاب آن جایی که بحث از جنگ احزاب است، ۱۰ آیه این داستان اشاره به حال منافقان در دوران حساس و پر تلاطم جنگ دارد و این نشان دهنده اهمیت و حساسیت نقش منفی منافقان در دوران بحران می باشد.

پنج. اصل ثبات و پایداری: یکی از اصول مهم در دوران بحران ثبات و پایداری و حفظ آمادگی روحی است، چرا که اگر مدیر و بحران زدگان بر اثر بحران تعادل روحی و فکری از دست دهند نمی توانند بحران را کنترل کنند، در نتیجه بحران گسترده تر شده

و آثار مخرب آن بیش از پیش هویدا می‌گردد. این حالت روحی سبب تزلزل و سستی بحران‌زدگان خواهد شد.

- «(به خاطر بیاورید) زمانی را که آنها از طرف بالا و پایین (شهر) بر شما وارد شدند (و مدینه را محاصره کردند) و زمانی را که چشم‌ها از شدت وحشت خیره شده و جان‌ها به لب رسیده بود، و گمان‌های گوناگون بدی به خدا می‌بردید» (سوره مبارکه احزاب/ آیه ۱۰)^{۱۸}

- «آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و تکان سختی خوردند» (سوره مبارکه احزاب/ آیه ۱۱)^{۱۹}

در سوره احزاب شرایط سخت و فشار و اضطراب بحران را به خوبی توصیف می‌کند در این آیات شدت فشار را به گونه‌ای توصیف می‌کند که باعث تزلزل برخی از مسلمانان شد و اگر نبود عنایت و امداد الهی ممکن بود آن شرایط سخت و بحرانی سبب از دست رفتن روحیه و اعتماد به نفس سپاه اسلام و در نتیجه شکست ایشان گردد. لطف و عنایت الهی و ایمان راسخ مومنان موجب پایداری و مقاومت ایشان در برابر شرایط سخت بحران گردید.

ج) مدیریت بعد از بحران

یک. اصل حذف عوامل بحران‌زا: رسول اکرم(ص) و مسلمانان بعد از پیروزی در جنگ احزاب به سراغ یهودیان بنی قریظه رفتند، آنان که در طول جنگ احزاب پیمان‌شکنی کردند و با مشرکان همکاری نمودند، مسلمانان قلعه‌های آنان را محاصره کردند و پس از ۲۵ روز آن‌ها را از مدینه بیرون راندند و برای همیشه مدینه از وجود طوایف یهود پیمان‌شکن پاک شد. یکی از عوامل بحران‌زا در طول نبرد احزاب یهودیان بنی قریظه بودند، چرا که پیمان‌شکنی آنان ترس، دلهره و اضطراب فراوانی را دل مسلمانان مدینه باعث شد. رسول اکرم(ص) بعد از پیروزی احزاب، این عاملان بحران‌زا را از شهر بیرون کردند تا دیگر از جانب آنان بحران دیگری روی ندهد.

جنگ با بنی قریظه برکاتی داشت از جمله:

• آخرین گروه یهود برای همیشه از مدینه خارج شدند.

- اموال فراوانی از دشمن نصیب مسلمانان شد.
- جایگاه مسلمانان تثبیت و روشن شد که هر کس با آنان پیمان شکنی کند بدبخت می شود.

دو. اصل بازسازی: خداوند مسلمانان و مؤمنانی را که در آن فشارها و سختی ها، جبهه جنگ را رها نکرده و دین و رسول خدا را حمایت کردند را تشویق می کند و برای آنان پاداش در نظر می گیرد و در نتیجه پاداش زحمت ها و پایداری ایشان را در نظر گرفته، نیروی سپاه اسلام را بازسازی می کند.

- «هدف این است که خداوند صادقان را بخاطر صدقشان پاداش دهد» (سوره مبارکه احزاب / آیه ۲۴)^{۲۰}

از سویی دیگر خداوند منافقان را که در طول جنگ قصد فتنه داشتند و در سپاه اسلام تزلزل ایجاد کردند به عذاب و عقاب انداز می دهد و سپاه اسلام را که در بهبوه جنگ دچار آسیب شده بود بازسازی می کند.

- «منافقان را هر گاه اراده کند عذاب نماید» (سوره مبارکه احزاب / آیه ۲۴)^{۲۱}

- «خداوند اعمالشان را حبط و نابود کرد و این کار بر خدا آسان است» (سوره مبارکه احزاب / آیه ۱۹)^{۲۲}

بعد از پایان بحران آیات این داستان به تجزیه و تحلیل آن شرایط سخت می پردازند و گروه های مختلف را بررسی می کنند، تا ریزش ها و رویش های رخ داده در حین نبرد روشن شود و مسلمانان و منافقان از هم تمیز داده شوند. فضای غبار آلود بحران تبیین و بررسی عناصر مؤثر در آن بود، لکن بعد از پایان بحران می توان عملکرد افراد را تحلیل و بررسی کرد و آنان را که خوب عمل کرده اند تشویق و آنان را که به وظیفه خود عمل نکرده اند تنبیه نمود.

سه. اصل مطالعه و بررسی بحران: یکی دیگر از اصولی که در این روایت از داستان احزاب قابل توجه می رسد تبیین و مطالعه بحران است. آیات سوره احزاب که پیرامون جنگ صحبت می کند بعد از نبرد احزاب نازل شده اند، به گونه ای که مؤمنان را به

یادآوری آن شرایط و مطالعه و بررسی عملکرد هر طرف توصیه می‌کند و می‌فرماید به یاد آورید آن هنگامی را که...

- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید به یاد آورید هنگامی که» (سوره مبارکه احزاب/ آیه ۹)^{۲۳}

می‌توان نتیجه گرفت که یکی از اصول مدیریت بعد از بحران، مطالعه و بررسی بحران است، چرا که از این مطالعه تجربیات و آموخته‌های بسیاری به دست می‌آید که در آینده نظام اجتماعی بسیار کاراست و می‌تواند در بحران‌های احتمالی بعدی به کار بسته شود.

جدول شماره ۱. اصول مدیریت بحران رسول اکرم(ص)

قبل از بحران	حین بحران	بعد از بحران
۱- هدایت و تربیت	۱- توکل و امید به لطف الهی	۱- حذف عوامل بحران را
۲- پیش بینی	۲- مشورت	۲- بازسازی
۳- پیش گیری	۳- هوشیاری	۳- بررسی و مطالعه بحران
	۳- ثبات و پایداری	

نتیجه‌گیری

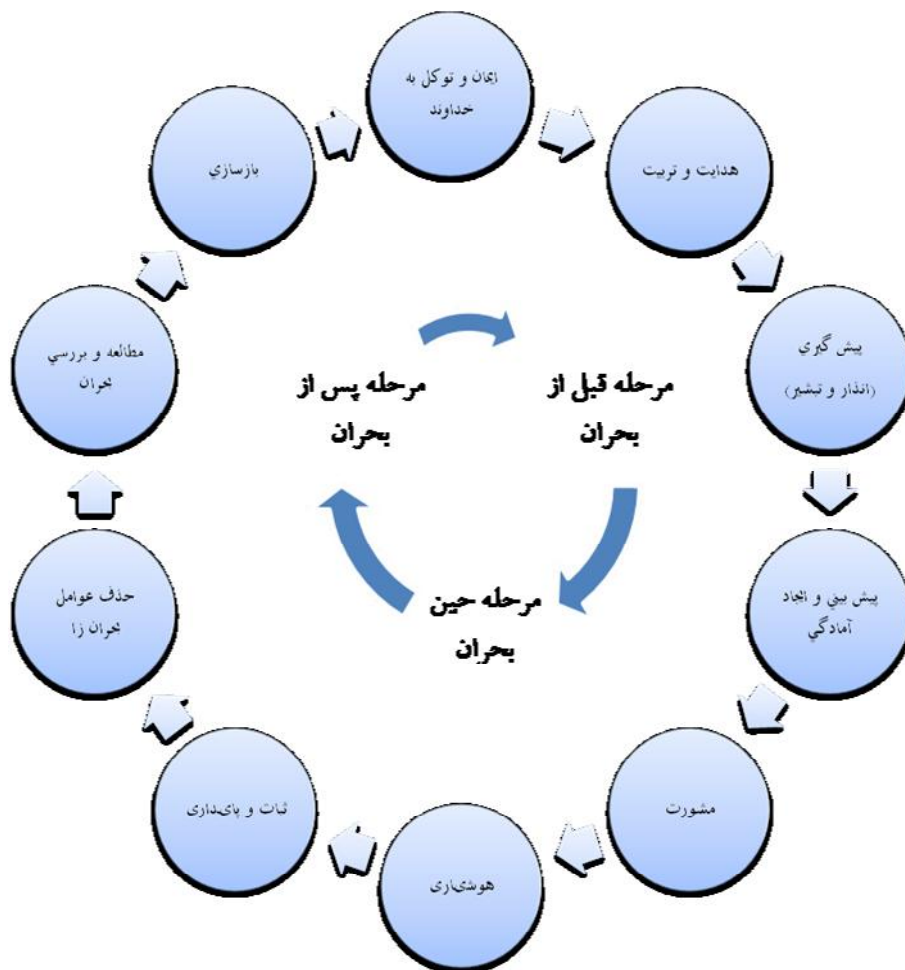
بحران واژه‌ای مبهم و وابسته به شاخص‌ها و مؤلفه‌های گوناگون است و در کل نمی‌توان تعریفی دقیق و جامع و مانع از آن ارائه داد. لکن به‌نظر بهترین تعریف از بحران تعریفی است که بحران را فرصتی خطرناک تعریف کرده است. یعنی ترکیبی از فرصت و تهدید، فرصتی برای رشد و تعالی و تهدیدی برای سقوط و پس‌رفت. بر اساس این تعریف اگر بحران‌زدگان بتوانند در شرایط پیش آمده ی بحران، مدیریت منطقی و مناسبی داشته باشند، بحران پله‌ای برای رشد و تعالی است، لکن سوء مدیریت مدیران ممکن است بحران را مبدل کند به تهدیدی پر خسارت و نهایتاً سراشیبی سقوط فرد و جامعه. بنابراین مدیریت موفق بحران آن است که بتواند بحران‌های سیاسی و اجتماعی را کنترل و هدایت کند و از شرایط خاص آن جهت رشد و تعالی بهره‌برداری کند.

بحران را در گفتمان قرآنی تحلیل و بررسی کردیم و براساس ملاک‌های مطرح شده و مشورت با اساتید و اندیشمندان صاحب نظر، ۱۴ واژه محتمل انتخاب گردید، از میان این ۱۴ واژه برگزیده، تنها واژه «جهاد» دارای بار ارزشی مثبت می‌باشد، که پس از بررسی کامل ابعاد جهاد، مشخص گردید که جهاد به لحاظ غایت و هدف با بحران متفاوت است و تنها می‌توان آن را ابزاری برای مبارزه، مدیریت و خروج از بحران دانست. واژه‌های «فتنه»، «فساد»، «بغی»، «تیه» و «عمه» همگی واژگانی هستند که دارای بار ارزشی منفی می‌باشند، این واژگان همگی از مصادیق بحران هستند و نشان دهنده آن است که از نگاه قرآن بحران و مصادیق آن فی نفسه اموری پسندیده و مطلوب نیستند، بلکه آن را اموری مذموم و منفی می‌داند.

قرآن، بحران و وقوع آن را، امری طبیعی و سنتی الهی در خلقت انسان می‌داند. بحران وضعیتی گریزناپذیر است. براساس دیدگاه قرآن و با توجه به واژگانی چون «کبد»، «عسر»، «ضرر» و «حرج» که بحران یکی از مصادیق آن‌هاست، وقوع بحران در زندگی انسان کاملاً طبیعی و حتمی است. قرآن زندگی انسان را مملو سختی‌ها و دشواری‌ها می‌داند و بر این اساس رخ داد هرگونه حادثه دشوار و ایجاد شرایط اضطراب و فشار که خود تعریفی از بحران است، کاملاً پیش‌بینی شده و معمول است.

با توجه به واژگانی چون «فتنه» و «بلاء» که معنای آزمایش و امتحان از آنان قابل برداشت است، بحران از نگاه قرآن آزمونی است که هم می‌تواند زمینه‌ساز رشد و تعالی باشد، هم می‌تواند زمینه‌ساز گمراهی و ضلالت گردد. اگر مؤمنان و جامعه اسلامی در امتحانات الهی تصمیم صحیح اتخاذ کنند و به وظیفه خود عمل نمایند، در مسیر تکاملی خود ارتقاء و پیشرفت کرده و پیروز هستند و اگر در این آزمون‌ها اشتباه نمایند و نتوانند به وظایف خود عمل کنند، دچار گمراهی و ضلالت شده‌اند و عذاب و کیفر الهی در انتظار ایشان است.

با بررسی سیره مدیریتی حضرت محمد(ص) در نبرد احزاب به اصولی از مدیریت بحران در قرآن کریم دست یافتیم که مجموع اصول به دست آمده را می‌توان در قالب الگوی سه مرحله‌ای مدیریت بحران ارائه کرد:



نمودار شماره ۳. اصول قرآنی مدیریت نبوی بحران در قالب الگوی چرخشی مدیریت بحران

برخی از اصول از اصول مدیریت بحران مطالعه شده قابل تقسیم به دوره زمانی خاصی نیست و این اصول را در تمام مراحل مدیریت بحران می‌توان دید که این اصول از اصول عام مدیریت بحران هستند. ایمان و توکل به خداوند و هدایت آن اصول هستند، که در تمامی مراحل دشوار بحران به وضوح قابل رؤیتند.

در میان اصول استخراج شده برخی اصول ارتباط و اختصاص بیشتری نسبت به دیگر اصول با شرایط بحران و مدیریت بحران دارند. برخورد قاطع با عوامل بحران‌زا و گاه

حذف آنان، مطالعه و بررسی بحران پس از بحران، پیش‌گیری و پیش‌بینی و در نهایت شفاف‌سازی و آگاهی‌بخشی در حین وقوع بحران از جمله اصول ذکر شده‌ای هستند که با بحران و مدیریت بحران اختصاص بیشتری دارند.

جدول شماره ۲. اصول عام و خاص مدیریت بحران در سیره نبوی در قرآن کریم

اصول خاص مدیریت بحران	اصول عام مدیریت بحران
۱- پیش‌بینی و ایجاد آمادگی	۱- ایمان و توکل به خداوند
۲- پیش‌گیری (انذار و تبشیر)	۲- هدایت و تربیت
۴- هوشیاری	
۵- ثبات و پایداری	
۶- مشورت	
۷- حذف عوامل بحران‌زا	
۸- مطالعه و بررسی بحران	
۹- بازسازی	

پی‌نوشت‌ها:

1- Dangerous Point

۲- يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ. اللّٰهُ يَسْتَهْزِئُ بِهٖمْ وَيَمْدُدُّهُمْ فِى طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُوْنَ - خدا به آن‌ها استهزاء می‌کند و مهلتشان می‌دهد که در طغیانشان سرگردان مانند (سوره مبارکه بقره / آیه ۱۵).

۳- لَقَدْ خَلَقْنَا الْاِنْسَانَ فِىْ كَبَدٍ - که ما انسان را در رنج آفریدیم (سوره مبارکه بلد / آیه ۴).

۴- قَالَ لَا تُوَاخِذْنِىْ بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِىْ مِنْ اَمْرِىْ عُسْرًا - گفت: مرا به خاطر این فراموش کاریم مؤاخذه مکن و از این کارم بر من سخت مگیر! (سوره مبارکه کهف / آیه ۷۳).

۵- فَاِنْ لَّمْ تَفْعَلُوْا فَاَذْنُوْا بِحَرْبٍ مِّنَ اللّٰهِ وَرَسُوْلِهِ - و هرگاه چنین نکنید، پس جنگ با خدا و رسول او را اعلام کنید (سوره مبارکه بقره / آیه ۲۷۹).

۶- فَاِمَّا تَنْقُضْهُمْ فِى الْحَرْبِ فَشَرِّدْ بِهِمْ - پس اگر آنها را در جنگ بیایی پراکنده‌شان ساز (سوره مبارکه انفال / آیه ۵۷).

۷- كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ - جنگیدن (قتال) بر شما واجب شده در حالی که آن را مکروه می‌دارید (سوره مبارکه بقره/ آیه ۲۱۶).

۸- مَنْ قَتَلَ نَفْسًا بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا - هر کس انسانی را بدون ارتکاب قتل یا فساد در روی زمین بکشد، چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته (سوره مبارکه مائده/ آیه ۳۲).

۹- فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا - چنان است که گویی همه انسان‌ها را کشته (سوره مبارکه مائده/ آیه ۳۲).

۱۰- قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ - گفتند: این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داده، و خدا و رسولش راست گفته‌اند! (سوره مبارکه احزاب/ آیه ۲۲).

۱۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.

۱۲- وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا.

۱۳- وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِبِهِمْ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا.

۱۴- وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا.

۱۵- وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا.

۱۶- وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا.

۱۷- أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَقْظُرُونَ إِلَيْكَ تَدُورُ أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَى عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ.

۱۸- إِذْ جَاءَكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا.

۱۹- هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا.

۲۰- لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ.

۲۱- يُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ.

۲۲- أُولَئِكَ لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا.

۲۳- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱- آریان‌پور کاشانی، منوچهر (۱۳۷۷)، **فرهنگ پیش‌رو آریان‌پور**، تهران: نشر الکترونیکی و اطلاع‌رسانی جهان رایانه.
- ۲- بشیر، حسن (۱۳۸۷)، «رسانه‌ها و معنا شناسی بحران»، **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش‌های ارتباطی**، شماره ۵۵، سال پانزدهم
- ۳- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۹)، **مدیریت بحران: نقدی بر شیوه‌های تحلیل و تدبیر بحران در ایران**، تهران: فرهنگ گفتمان.

- ۴- حسینی، حسین و مجیدی، مجید (۱۳۸۴)، **مدیریت بحران در حوزه ترافیک**، تهران: انتشارات معاونت آموزش ناجا.
- ۵- خرمشاهی، بهاءالدین (۱۳۷۷)، **دانش نامه قرآن و قرآن پژوهی**، تهران: انتشارات دوستان.
- ۶- دایرة المعارف قرآن کریم (۱۳۸۵)، قم: مؤسسه بوستان کتاب.
- ۷- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۵)، **خلاصه سیره نبوی**، تهران: انتشارات دریا.
- ۸- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷)، **لغت نامه دهخدا**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۹- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **المفردات فی غریب القرآن**، بیروت: دار العلم الدار.
- ۱۰- روشندل اربطانی، طاهر (۱۳۸۷)، «نقش مدیریت رسانه در تحول بحران از تهدید به فرصت»، **فصلنامه علمی پژوهشی پژوهش های ارتباطی**، شماره ۵۵، سال پانزدهم.
- ۱۱- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴)، **تفسیر المیزان**؛ محمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۲- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵)، **مجمع البحرین**، تهران: کتابفروشی مرتضوی.
- ۱۳- طلاس، مصطفی (۱۳۵۴)، **پیامبر و آئین نبرد**، تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- ۱۴- علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۶)، **سیاست نبوی**، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۱۵- عمید، حسن (۱۳۶۹)، **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.
- ۱۶- فیض الهی، روح الله (۱۳۸۹)، **نقد و بررسی ترور در قرآن کریم**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- ۱۷- قرآن کریم
- ۱۸- قرشی، علی اکبر (۱۳۷۸)، **قاموس قرآن**، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
- ۱۹- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، **تفسیر نمونه**، تهران: انتشارات دار الکتب الإسلامیه.
- ۲۰- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، **ترجمه قرآن کریم**، تهران: انتشارات تلاوت.